

بررسی تطبیقی تحلیلی عاقبت یهود از منظر قرآن و کتاب مقدس*

صفر نصیریان**

سعید رسولزاده***

چکیده

دین یهود به پیشوایی حضرت موسی(ع)، از جمله ادیان قدیمی و پر سابقه است و وقایع مهمی در تاریخ این قوم در گذشته اتفاق افتاده و یا طبق پیش‌گویی‌ها، در آینده اتفاق خواهد افتاد. یکی از مسائل مهم در بررسی دین یهود و ملت آن، توجه به پیش‌گویی‌ها درباره عاقبت این قوم است. در مقاله حاضر، به دنبال آنیم تا سرانجام قوم یهود را طبق پیش‌گویی‌های که در کتاب‌های خودشان است و نیز مقایسه این پیش‌گویی‌ها با پیش‌گویی‌های قرآن که در بسیاری موارد، صد و هشتاد درجه متفاوت از هم‌اند، به این مسئله در آینده پژوهی برسیم که سرانجام حقیقی این قوم چگونه خواهد بود؟ آیا این سرانجام، آن گونه که خودشان می‌پندارند به سوی سعادت خواهد بود و سرانجام، به قدرت بیشترشان منجر می‌شود و یا آن گونه که قرآن پیش‌گویی کرده، ذلت و تیره بختی در انتظار آنهاست.

کلیدواژه‌ها: قرآن، کتاب مقدس، آینده پژوهی، آخرالزمان، یهود، عاقبت.

* - تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۰۱/۱۳

** دانش‌آموخته دکتری پردیس فارابی دانشگاه تهران و مدرس دانشکده علوم قرآنی مراغه (نویسنده مسئول). s.nasirian@ut.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآنی مراغه، saeedrasoulzadeh76@gmail.com

۱) مقدمه

اصالت دین یهود از نظر نسل که به حضرت ابراهیم برمی‌گردد، سابقه بلند نبوت در قوم بنی‌اسرائیل، نویدهای متعدد خداوند به آن‌ها - بر اساس کتب مقدسشان - در جهت برتری دادنشان بر اقوام دیگر، به شدت روحیه برتری‌جویی آن‌ها بر سایر ملت‌ها را تقویت کرده است. سرسختی این قوم به حدی بود که نسبت به پیامبران خود عناد می‌ورزیدند. روحیات اجتماعی و دینی این قوم، با توجه به تاریخ کهن توحید در بین آن‌ها، ویژگی‌هایی را در این قوم بروز داده که شاید فقط مختص به آن‌ها بوده است. همین ویژگی‌ها، روحیه عناد و سرپیچی و برتری‌جویی موحدانه را در آن‌ها تقویت کرده تا تاریخ آن‌ها، از پرفرازترین تاریخ اقوام تلقی شود.

مدتی بسیار طولانی است که یهود در دنیا در قالب صهیونیسم، با پشتوانه آموزه‌های دینی انحرافی بر طبل نژادپرستی می‌کوبد و در صدد سیطره بر کل جهان است. امروزه، نژادپرستی یهود، امنیت جهان به ویژه مسلمانان را به خطر انداخته و تبلیغات فرهنگی و سیاسی آن‌ها، افکار انسان‌های مختلف دنیا را بازیچه خود قرار داده است و گاه چشم و عقل مردم جوامع اسلامی را نیز بسته و آن‌ها را هدف تیر شوم خود قرار داده است.

بر این اساس، با استعانت از خداوند که در برخی از آیات قرآن، یهود را به عنوان سرسخت‌ترین مردم در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، معرفی کرده است (مائده/۸۲)^۱، در صدد شدیم سرانجام این قوم را از نظر کتاب‌های خودشان که امروزه بر اساس آن‌ها به تبلیغ می‌پردازند و در فیلم‌های هالیوودی شاهد نمایش این نوع تبلیغات هستیم و نیز مقایسه مطالب آن‌ها با مطالب قرآن که در بسیاری موارد، صد و هشتاد درجه از هم

۱- «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَ زُهَبَانًا وَ أَكْثَمَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»

بررسی تطبیقی تحلیلی عاقبت یهود از منظر قرآن و کتاب مقدس ۳۹

متفاوتند و در واقع، مسئله آن چیزی نیست که آن‌ها رویش مانور می‌دهند، به این مسئله در آینده پژوهی برسیم که سرانجام حقیقی این قوم چیست؟ آیا این سرانجام، آن گونه که خودشان می‌پندارند به سعادت آن‌ها ختم شده و قدرتشان را بیشتر می‌کند و یا آن گونه که قرآن پیش‌گویی کرده، ذلت و تیره‌بختی در انتظار آن‌هاست. از این رو، نوشتار حاضر در پی بررسی فرجام یهود از نظر قرآن و کتاب مقدس است.

۲. پیشینه

با بررسی و مطالعه‌ای که انجام گرفت، در خصوص موضوع مورد بحث که تحقیقی بین رشته‌ای است، کار تحقیقی مستقلی از قبیل کتاب یا مقاله یا پایان‌نامه‌ای صورت نگرفته است. البته مقالاتی درباره آینده یهود از منظر قرآن به چاپ رسیده‌اند که از جمله آن‌ها، مقاله «یهود از نگاه قرآن» می‌باشد که توسط عبدالرحیم رضایور که به سال ۱۳۸۱، شماره ۱۳، در مجله رواق اندیشه به چاپ رسیده است.

۳. مفهوم‌شناسی

در این بخش به مفهوم‌شناسی واژه «یهود» و نیز عبارت ترکیبی «آخرالزمان» می‌پردازیم که از کلیدواژگان مهم در موضوع مورد بحث بوده و نقش مهمی در پژوهش آن دارند.

۳-۱- یهود

بنا بر قولی، یهود از ریشه «هود» به معنای توبه است. گفتار موسی (ع) خطاب به خداوند را که عرضه داشت: «إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ»؛ ما به سوی تو توبه کردیم، شاهدی بر صحت این قول آورده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۴۳۹/۳)

بنا بر قول دوم، یهود از ریشه «تهود» به معنای حرکت کردن است. از آن جا که یهودیان به هنگام قرائت تورات، بدنشان را حرکت می‌دهند، به یهود نام بردار شده‌اند. (طنطاوی، ۱۳۹۲: ۸/۱)

۳-۲- آخرالزمان

در سنت یهودی آخرالزمان با آمدن ماشیح و نجات بنی اسرائیل توسط او، گره خورده است. (سلیمانی، ۱۳۸۶: ۹۱/۱) روایات اسلامی نیز آخرالزمان را، ظرف زمانی تحقق پیش‌گویی‌های متعددی می‌دانند که در رأس همه آن‌ها ظهور حضرت مهدی(ع) است. برخی دیگر از این پیش‌گویی‌ها عبارتند از: ظهور دجال، ظهور دَابَّةُ الْأَرْضِ (چهارپایی عظیم‌الجثه)، خروج یاجوج و ماجوج و نزول عیسی(ع) در میان مردم (بخاری، ۱۹۸۱: ۱۸۵/۲۴-۱۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۱/۵۲).

آخرالزمان، با علائمی همچون پیروزی نهایی، عدالت، آزادی، حکومت جهانی واحد، عمران تمام زمین، بلوغ بشریت به خردمندی کامل و آزادی از جبرهای طبیعی و اجتماعی، برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها در امر ثروت، منتفی شدن کامل مفاسد اخلاقی، منتفی شدن جنگ و سازگاری انسان و طبیعت، همراه است. (مطهری، بی‌تا: ۶۰).

مفسران شیعه در ذیل آیاتی از قرآن که درباره سرانجام قوم یهود است، روایاتی را نقل کرده‌اند که با تحولات آخرالزمان پیوند دارد. طبق این آیات، آنان معتقدند که سرانجام یهود، با عصر ظهور مهدی موعود(ع) پیوند دارد. (طوسی، بی‌تا: ۲۸۳/۷-۲۸۴؛ همان: ۱۲۹/۸)

برخی از مفسران اهل سنت متأخر نیز معتقدند در قرآن آیاتی است که به آینده‌ی جوامع انسانی نظر دارد. این آیات، درباره‌ی حکومت توحید و عدل در آینده‌ی زندگی انسان، مطالبی را بیان می‌کنند. در این نوع آیات که از استخلاف انسان در زمین (اعراف، ۱۲۸) و پیروزی حق بر باطل به‌رغم جولان دائمی باطل سخن گفته شده (صافات/۱۷۱-۱۷۲) سرنوشت آینده‌ی بشریت در آخرالزمان پیشگویی می‌شود. (رشیدرضا، بی‌تا: ۸۰/۹؛ سیدقطب، ۱۹۸۲: ۳۰۰/۵-۳۰۰/۲)

در پاره‌ای از متون قدیمی فلسفی نیز به تعبیراتی درباره‌ی آینده‌ی جوامع بشری برمی‌خوریم. در رسایل اخوان الصفا چنین آمده است: ظهور دولت در میان بعضی از مردم

بررسی تطبیقی تحلیلی عاقبت یهود از منظر قرآن و کتاب مقدس ۴۱

و امت‌ها و افزایش قدرت برخی از پادشاهان و خروج بعضی از شورشگران و تجدید ولایات در حوزه‌ی ملک و حوادث دیگری از این گونه، در جهت صلاح شأن جهان و رساندن آن به ترقی و کمال است. بنابراین، هرچند عوامل تباهی مانند جنگ‌ها و فتنه‌ها و غارتگری‌ها، در میان می‌آیند و در نتیجه، برخی شهرها ویران می‌گردند و رشد و رونق بعضی اقوام از میان می‌رود، سرانجام همه آنها به سوی صلاح و بهبود است (اخوان‌الصفاء، ۱۴۰۵: ۲۶۴/۳).

۴. نظر کتاب مقدس در باره عاقبت قوم یهود

دانشوران غربی، اعم از یهودی و مسیحی، بحث درباره حوادثی که در پایان تاریخ این جهان رخ خواهد داد و نیز بحث پیرامون جهان آینده را تحت عنوان «آخرت‌شناسی یا پیشامدهای فرجامین» می‌آورند. این بخش، دو بحث اصلی آخرالزمان و جهان دیگر را شامل می‌شود و در واقع آخرالزمان مقدمه و پیش درآمد زندگی انسان در جهان دیگر است. (سلیمانی، ۱۳۸۶: ۹۱/۱)

۴-۱- آخرالزمان و ظهور ماشیح

در فقرات متعددی از عهد قدیم سخن از شخصیتی رفته که قرار است در آینده بیاید. در تورات آمدن شخصی به نام شیلو پیش گویی شده است. در این باره آمده است: «عصای سلطنت از یهودا دور نخواهد شد تا شیلو که همه قوم‌ها او را اطاعت می‌کنند، بیاید. الاغ خود را به بهترین درخت انگور خواهد بست و جامه خود را در شراب خواهد شست. چشمان او تیره‌تر از شراب و دندان‌هایش سفیدتر از شیر خواهد بود». (پیدایش: ۱۰-۱۲/۴۹)

در این فقره، سخن از سلطنت منطقه یهودا و اطاعت اقوام دیگر از پادشاه یهودیان با نام شیلو، است که به صورت پیش گویی بیان شده است.

در سخنان هوشع نبی نیز، آمدن شخصیت دیگری به نام ماشیح پیش‌گویی شده است. ماشیح پادشاهی است به مانند داود که بر دو سرزمین یهودا و اسرائیل حکومت خواهد کرد. (هوشع، ۱: ۳ و ۵: ۵) بنابراین، احتمال دارد که شیلو همان ماشیح باشد؛ زیرا چیزی که بیشتر از هر چیز در شخصیت ماشیح عهد قدیم برجستگی دارد، جنبه پادشاهی اوست؛ چنان که درباره شیلو نیز چنین بود.

اما آیا این تصور از ماشیح یا مسیحای منتظر عهد قدیم، ارتباطی با تبعید و اسارت و آوارگی‌های قوم اسرائیل داشته است؟ بسیاری به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند. (سلیمانی، ۱۳۸۶: ۹۲/۱) بنابراین، یهود در دوران اسارت، با این امید که به پادشاهی و رهایی خواهد رسید، زندگی می‌کرد. ولی این فرضیه با توجه به این که فقرات دیگری از عهد قدیم، زمان تحقق آمدن ماشیح را آخرالزمان دانسته، مخالفت دارد. به طور مثال، در کتاب دیگری از عهد عتیق از سلطنت شکوهمند او بر بنی‌اسرائیل، تبعیت همه اقوام و ملل از او، پایان جنگ و جاودانگی حکومت او سخن گفته شده است. (میکاه: ۱/۴-۳)

دانشمندان یهود، در کتاب تلمودشان نیز، بارها بر آمدن ماشیح در آخرالزمان و تحولاتی که در آن زمان به وجود خواهد آمد، تاکید کرده‌اند. ظاهر سخنان آنان در توصیف اوضاع زمان ماشیح به گونه‌ای است که با جهان آینده و مسئله آخرالزمان انطباق دارد. در این کتاب گفته شده که در آن زمان، مرگ، درد و ناله نیست و حیوانات به گونه دیگری خواهند بود و صلح پایدار بر جهان طبیعت و جامعه انسانی حکم فرما خواهد شد و حکومت ماشیح ابدی خواهد بود. (کهن، ۱۳۵۰: ۳۵۸-۳۵۹)

برخی از دانشمندان، تحولات جهان در دوران ماشیح را یک مرحله انتقالی از این جهان به جهان آینده دانسته و درباره طول مدت این مرحله انتقالی، با اختلاف اقوالی که در این باره گفته شده، ۴۰ سال، ۴۰۰ سال، ۲۰۰۰ سال، ۷۰۰۰ سال و حتی به اندازه عمر جهان معرفی شده است. (همان: ۳۶۱-۳۶۲)

بررسی تطبیقی تحلیلی عاقبت یهود از منظر قرآن و کتاب مقدس ۴۳

اعتقاد یهودیان درباره ماشیح، آن است که به رغم وعده آمدن او، این وعده تا به امروز تحقق عینی نیافته است و وی در آینده خواهد آمد. البته، دو دیدگاه درباره زمان آمدن ماشیح وجود دارد: یکی قبل از برپایی جهان دیگر و دنیای آینده و دیگری در جهان آینده. از میان این دو دیدگاه، قرائن دیدگاه اول قوی تر است؛ زیرا اولاً ظاهر برخی از فقرات عهد قدیم این است که ماشیح در همین دنیا قوم را نجات می‌دهد؛ ثانیاً برخی از دانشمندان یهود قائل بوده‌اند که ماشیح پیشتر آمده و برای نمونه یکی از پادشاهان یهود به نام «حزقیاس» را همان ماشیح دانسته‌اند؛ ثالثاً عده زیادی تاکنون ادعای ماشیح بودن کرده و جمعیت زیادی را گرد خود جمع کرده‌اند. (همتی، ۱۳۴۷: ۲۲۴/۳)؛ رابعاً بسیاری از دانشمندان یهود زمانی خاصی را برای آمدن مسیح تعیین کرده‌اند. برای مثال بسیاری از آنان به حوالی سال ۵۰۰ میلادی اشاره کرده‌اند (کهن، ۱۳۵۰: ۳۵۶).

با توجه به خصوصیات که از ماشیح و یا شخصی شبیه به او با نامی متفاوت، از کتب عهد عتیق و غیر آن ذکر شد، می‌توان گفت که مقصود از ماشیح همان حضرت مهدی (عج) است که به نادرستی و در اثر تحریف، به عنوان پادشاه بنی‌اسرائیل معرفی شده است. شواهدی از عهد عتیق این مسئله را تأیید می‌کند. فرازی از مزامیر، در مورد پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و فرزند دادگسترش حضرت مهدی (ع)، از زبان حضرت داود(ع) چنین می‌فرماید:

ای خدا! شرع و احکام خود را به «ملک»، و عدالت خود را به «ملک‌زاده» عطا فرما تا این که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به انصاف حکم نماید. به قوم کوه‌ها سلامت و کویرها عدالت برساند. فقیران قوم را حکم نماید، و پسران مسکینان را نجات دهد، و ظالم را بشکند. تا باقی ماندن ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسند. بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار - که زمین را سیراب می‌گرداند - خواهد بارید و در روزهایش صدیقان شکوفه خواهد نمود و زیادتی سلامتی تا برای ماندن ماه خواهد بود. از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود. صحرا نشینان در حضورش خم خواهند شد و

دشمنانش خاک را خواهند بوسید. ملوک طریش و جزیره‌ها، هدیه‌ها خواهند آورد و پادشاهان سبا و پیشکش‌ها تقریب خواهند نمود. بلکه تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود و تمامی اُمم او را بندگی خواهند کرد. زیرا فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد داد و به ذلیل و محتاج ترحم خواهد فرمود و جان‌های مسکینان را نجات خواهد داد. جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود و زنده مانده از سبا به او بخشیده خواهد شد. در زمین به سر کوه‌ها مشت غله کاشته می‌شود که محصول آن مثل اسنان متحرک شده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود. اسم او ابداً بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت. بلکه اسم ذوالجلال او ابداً مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود. دعای داوود پسر یسی تمام شد. (مزامیر ۷۲، ۲-۲۰)

مضامینی که در این پیش‌گویی آمده، تنها به دست حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت. ضمن این که مقصود از پادشاه‌زاده در اول پیش‌گویی، کسی جز وی نیست؛ زیرا منظور از پادشاه صاحب شریعت کسی جز پیامبر (ص) نیست.

۴-۲- آخرین داوری

آخراالزمان مقدمه و پیش درآمد زندگی انسان در جهان دیگر است. (سلیمانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۱) در اصلی‌ترین بخش متون مقدس یهود؛ یعنی اسفار پنج گانه تورات، به رستاخیز مردگان اشاره نشده و یا حداقل به روشنی بیان نشده است. از این رو، این مسئله، بین دو فرقه فریسیان و صدوقیان، مورد اختلاف بوده است؛ به طوری که صدوقیان به این بهانه که در تورات کتبی ذکری از معاد نیامده، اعتقاد به آن را رد می‌کردند (کهن، ۱۳۵۰: ۳۶۲)

یهودیان معتقدند که درباره چگونگی جهان آینده، حتی پیامبران در این باره کمتر سخن گفته‌اند؛ به گونه‌ای که وقتی بنی اسرائیل از موسی (ع) درباره آن می‌پرسند، او پاسخ

بررسی تطبیقی تحلیلی عاقبت یهود از منظر قرآن و کتاب مقدس ۴۵

می‌دهد که نمی‌دانم که چه بگویم، ولی این را می‌توانم بگویم که شما در جهان آینده خوشبخت خواهید شد. (سلیمانی، ۱۳۸۶: ۹۷)

بدین ترتیب می‌بینیم که قیامت و رستاخیز مردگان به آن صورت در عقاید یهودیت جایی ندارد، اما بر عکس، برخی از فقرات عهد قدیم درباره آخرالزمان و مجازات ستمگران و پاداش دادن به ستمدیدگان در پایان این جهان است. در ادامه به فرازهایی از دو کتاب مزامیر و اشعیا در این باره اشاره می‌کنیم.

۴-۲-۱- فرازهایی از مزامیر داود(ع)

در بیش از ۳۵ فراز از فرازهای مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید ظهور منجی آمده است. قبلاً به یکی از این فرازها اشاره کردیم و الان به برخی دیگر از این فرازها اشاره می‌کنیم:

شریران منقطع می‌شوند. اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. حال اندکست که شریر نیست. می‌شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود. اما متواضعان وارث زمین شده، از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. شریر به خلاف صادق افکار مذمومه می‌نماید و دندان‌های خویش را بر او می‌فشارد. خداوند به او متبسم است چون که می‌بیند که روز او می‌آید. شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را ببندازند و کمان‌های ایشان شکسته خواهد شد. شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آن که مظلوم و مسکین را ببندازند، و کمان‌های ایشان شکسته خواهد شد. کمی صدیق از فراوانی شریران بسیار بهتر است. چون که بازوهای شریران شکسته می‌شود و خداوند صدیقان را تکیه‌گاه است. خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. در زمان «بلا» خجل نخواهند شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود. لکن شریران هلاک خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه بره‌ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد. زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد (مزامیر: ۳۷/۹-۲۲)

در فراز دیگری نیز آمده است:

قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قوم‌ها را به امانت خود (همان: ۱۰/۹۶-۱۳)

۴-۲-۲- فرازهایی از کتاب اشعیای نبی

در فرازهایی از اشعیا آمده است:

خداوند، به محاسبه برخاسته و به جهت داوری قوم‌ها ایستاده است. خداوند همراه پیران قوم خود برای قضاوت خواهد آمد. (اشعیا، ۳: ۱۳-۱۴)

«نهالی از تنه یسی (پدر داود) بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند. خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رویت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش، تنبیه نخواهد نمود، بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. گریه با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پروراری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند. گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر، مثل گاو، گاه خواهد خورد و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیرباز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود؛ مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند (اشعیا، ۱۱: ۱-۹)

براساس پاره‌ای از متون تفسیری یهود درباره تورات نیز، پاداش و کیفر دنیوی از معتقدات اصلی یهود است و این تنها راه حل وضعیت تأسفانگیز ملت یهود به شمار می‌رود. علاوه بر دادگاهی که روح هر فرد انسان پس از مرگ در آن حضور می‌یابد و به اعمالش رسیدگی می‌شوند، دادگاهی نیز برای محاکمه ملت‌های ستمگر تشکیل خواهد شد. هر کس بر ملت اسرائیل به ناحق و از روی ظلم و ستم قیام کند، چنان است که گویی علیه ذات قدوس متبارک قیام کرده است. خداوند باید ملل ستم گر را به خاطر رفتار ظالمانه‌ای که نسبت به ملت اسرائیل داشته‌اند، به محاکمه احضار کند (مخيلتا: ۱۳۹).

۵. نظر قرآن کریم در باره عاقبت قوم یهود

با بررسی آیاتی از قرآن درباره عاقبت قوم یهود پی خواهیم برد که بسیاری از عقاید یهودی درباره سرانجام یهود، ناشی از خوش باوری و تعصبی است که نسبت به قوم خودشان دارند و حقیقت برخلاف آن چیزی است که آن‌ها پنداشته‌اند.

۱-۵- سرپیچی از دستورات خدا موجب ذلت یهود

این سنت الهی است که هر قومی کفر و سرپیچی از دستورات خدا و انحراف از توحید به شرک پیشه کند و بی‌باکانه به رویایی و یا حتی کشتار فرستادگان الهی بپردازد، باید ذلیل و سرگردان شود و به تعبیر قرآن، مهر ذلت و بیچارگی بر آنها زده شود تا زمانی که توبه کنند و بسوی خدا باز گردند. خداوند می‌فرماید: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ ... وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (آل عمران/۱۱۲)؛ هر زمان و هر کجا یافت شوند، (داغ) خواری و ذلت بر آنان زده شده ... و (آن‌ها) به خشمی از سوی خدا سزاوار شده‌اند و (داغ) بینوایی و بدبختی بر آنان زده شد. این بدان سبب است که آنان همواره به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند و (نیز) بدان سبب است که (خدا را) نافرمانی نمودند و همواره (از حدود الهی) تجاوز می‌کردند.

تاریخ پر ماجرای یهود، آنچه را در آیات فوق گفته شد، کاملاً تایید می‌کند، وضع کنونی آنها نیز گواه بر این حقیقت است و این‌که در آیه فوق گفته شده: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ»، این یک حکم تشریحی نیست؛ آن‌چنان‌که بعضی از مفسران گفته‌اند، بلکه یک فرمان تکوینی و حکم قاطع تاریخ است. فرقی هم ندارد، هر قومی که غرق در گناه شوند و تعدی به حقوق دیگران جزو برنامه آنها باشد و در از بین بردن رهبران نجات‌بخش بشریت کوشش داشته باشند، دارای چنین سرنوشتی خواهند بود، مگر اینکه در وضع خود تجدید نظر کنند و از این راه بازگردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۵/۳)

حوادثی که این روزها در کشورهای اسلامی می‌گذرد و موضع‌گیری خاص صهیونیسم در برابر مسلمین و قرار گرفتن آنها در زیر چتر حمایت دیگران و عوامل گوناگونی که موجودیت آنها را تهدید می‌کند، همگی شاهد گویای واقعیتی است که از این آیات استفاده می‌شود. شاید تجربیات تلخ گذشته و حوادثی که اخیراً مسیر تاریخ آنها را عوض کرده سبب شود که در برنامه‌های دیرین خود تجدید نظر کنند و زندگی مسالمت‌آمیزی با دیگران بر اساس احترام به حقوق آنها و رفع تجاوز از آنان داشته باشند. (همان)

۲-۵- خواری ابدی قوم یهود

قرآن، چهار عامل را برای ذلت (خواری) و مسکنت (بیچارگی) ابدی قوم یهود ذکر می‌کند که هر چهار عامل از گناهان کبیره‌اند: ۱. کفر به آیات الهی؛ ۲. کشتن ناحق انبیای خدا؛ ۳. عصیان؛ ۴. تعدی و تجاوز (آل عمران/۱۱۲)؛ از این روست که در برخی دیگر از آیات قرآن، با این بیان عجیب درباره سرنوشت آنها رو به رو می‌شویم که «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ، لَمْ يَرَوْا فِي الدُّنْيَا حَزَنًا وَ لَمْ يَرَوْا فِي الآخِرَةِ عَذَابًا عَظِيمًا» (مائده / ۴۱)؛ آنان کسانی‌اند که خداوند نمی‌خواهد قلب‌های آنها را پاکیزه کند. برای آنها ذلتی در دنیا و عذابی بزرگ در آخرت (مهیا شده) است. (گواهی: ۱۳۷۹: ۲۸۴/۱)

خداوند در آیه‌ای دیگر از قرآن درباره سرانجام ذلت‌بار این قوم می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ» (اعراف/۱۶۷)؛ و (به یاد آور) زمانی را که پروردگارت اعلام کرد که تا روز قیامت کسی را بر آنان (قوم یهود) بر خواهم انگیزم که عذابی بدی را به آنان بچشانم. نکته جالب توجه آن که تعبیر اخیر، تنها یک بار در قرآن، آن هم در مورد خطاکاران قوم یهود به کار رفته است. (گواهی، ۱۳۷۹: ۱/۲۸۵)

۳-۵- یهود دشمن سرسخت حضرت مهدی

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ» (مائده/۸۲)؛ هر آینه، یهود را سرسخت‌ترین مردم از نظر دشمنی با اهل ایمان خواهی یافت. یهودیان اگر چه در ایمان آوردن و یا جزیه دادن مانند نصارا مختار بودند، لیکن به آسانی اسلام را قبول نکردند، بلکه مدت‌ها در نخوت و عصیبت خود تصلب و پافشاری کردند، مکر و خدعه بکار بردند، عهدشکنی‌ها کردند، خواهان بلا و مصیبت مسلمین بودند و بالاخره صفحات تاریخ از خاطرات تلخی که مسلمانان آن روز از یهود دیدند، پر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۱۱۶)

با توجه به آیه فوق، یک دسته از شدیدترین مردم در دشمنی با اهل ایمان، یهود است. اما چنان‌که از بعضی روایات استفاده می‌شود، دامنه این دشمنی تا به آخر الزمان و قریب به قیام امام مهدی (ع) ادامه می‌یابد. از این رو، یکی از دشمنان خطرناک حضرت مهدی (ع) و یارانش، یهودیانند. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «قیامت برپا نمی‌شود، مگر آنکه بین مسلمانان و یهود، کارزاری رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که مسلمانان، همه‌ی آنها را به هلاکت می‌رسانند، تا جایی که اگر شخصی یهودی (محارب) در پشت صخره یا درخت پنهان شود، آن سنگ و درخت به صدا درآید و گوید: ای مسلمان! این یهودی (محارب) است که در پناه من مخفی شده، او را هلاک کن. (ابن حنبل، ۱۴۰۹: ۲/۴۱۷؛ عبد الرزاق:

بر این اساس، بعید نیست که سفیانی نیز به عنوان سرسخت‌ترین دشمن امام زمان (علیه‌السلام)، از جانب غربی‌ها و یهود حمایت شده و برای حمایت از مرزهای اسرائیل و سرکوب نیروهای انقلابی، روی کار آمده باشد تا اربابانش از خطر حمله سپاه خراسانی و یاوران مهدی (ع) که برای آزادی قدس، به حرکت آمده‌اند، در امان باشند.

خداوند می‌فرماید: «وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَتَّغَنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا تَتَّبِعُوا» (اسراء/۴-۷)؛ ما به بنی اسرائیل در کتاب تورات اعلام کردیم که دوبار در زمین، فساد خواهید کرد و برتری‌جویی بزرگی خواهید نمود. هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم ... و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، آن‌چنان بر شما سخت خواهند گرفت که آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود؛ داخل مسجد الاقصی می‌شوند؛ همان‌گونه که بار اول وارد شدند و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، درهم می‌کوبند.

مقصود از فساد در این آیات، ستم و گرفتن مال مردم و کشتن انبیا و خونریزی است. محمد بن اسحاق گوید: فساد اول ایشان قتل اشعیا و فساد دوم ایشان، کشتن یحیی بود. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۹۸/۱۴)

اولین کسی که از ناحیه خدا مبعوث شد تا بیت‌المقدس را ویران کند، بخت النصر بود که در این نوبت، مدت هفتاد سال به صورت خرابه در آمده بود و آن کس که در نوبت دوم بیت‌المقدس را ویران کرد، قیصر روم اسپانوس بود که تقریباً یک قرن قبل از میلاد می‌زیسته و وزیر خود طوطوز را روانه کرد تا مسجد را خراب و مردمش را ذلیل ساخته و تنبیه نماید. بخت النصر همه آنان و استقلالشان را تا زمان کورش به کلی از بین برد. آنگاه کورش بعد از مدتی همه آنان را جمع نموده و سر و صورتی به زندگیشان داد. بار دیگر

بررسی تطبیقی تحلیلی عاقبت یهود از منظر قرآن و کتاب مقدس ۵۱

رومیان بر آنان دست یافتند و قوت و شوکتشان را گرفتند و دیگر تا زمان اسلام نتوانستند قد علم کنند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/۱۵)

توجه به روایاتی که در باره جنگ مسلمانان با یهود در آخر الزمان وارد شده است، به احتمال زیاد، همان اشغال فلسطین توسط حکومت غاصب اسرائیل باشد که به پشتوانه قدرت‌های غربی سرکار آمده و هر روز بیشتر از قبل، خون مسلمانان را به ناحق می‌ریزد. بنابراین، مجازات متناسب با آن نیز نابودی آن‌ها قریب به زمان ظهور به دست یاران امام زمان(ع) است. بنابراین، این فساد، هم اکنون در حال اجراست، ولی عذاب آن هنوز تحقق نیافته است.

طبق دو دیدگاه اخیر، هر دو فساد و هر دو مجازات قبل از ظهور اسلام تحقق یافته و پایان پذیرفته‌اند. از این رو، ظاهر آیات ۴-۷ سوره اسراء، دلالتی بر هم‌آوردی بین مسلمانان و اسرائیل نخواهند داشت. ولی خصوصیتی که این آیات برای یهود برشمرده، بیان‌گر آن است که این قوم، به هیچ وجه روحیه عنادورزی خود را ترک نمی‌کنند. از این رو، این فساد برای بار سوم نیز از سوی آنان ممکن است تحقق یابد و به تبع آن، برای بار سوم نیز مورد مجازات قرار گیرند. از این روست که روایات تفسیری، آیات فوق را بر همین معنای که گفتیم، تأویل کرده‌اند. امام صادق (ع) در تفسیر «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ» (اسراء/۵)؛ بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم» فرمودند: «آنان کسانی هستند که خداوند، قبل از ظهور قائم، آنها را برمی‌انگیزد و آنان، دشمنی از دشمنان آل پیامبر(ص) را فرا نمی‌خوانند مگر این‌که او را به قتل می‌رسانند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۸۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۶/۸)

از امام باقر (ع) نیز روایت شده که پس از تلاوت آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ» (اسراء/۵)، فرمود: «او، قائم و یاران اویند که دارای قوت و نیروی زیادی هستند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۸۱؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۵۰۵/۳)

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت، در جواب یکی از یارانش که از معنای آیه پرسید، سه مرتبه فرمود: «به خدا قسم! آنان اهل قم هستند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۶/۵۷)

بدین ترتیب، آیات فوق، علاوه بر دلالت بر دو تقابل پیشین بین یهود و اقوام دیگر، از تقابل بین یهود با یاران امام مهدی (ع) در آخرالزمان نیز حکایت دارند. البته، روایت اخیر که از تقابل بین یهود یا اهل قم حکایت دارد، نگاهی دقیق‌تر و عینی‌تری به این تقابل دارد. با توجه به این که حضرت امام خمینی (قدس سره) از همین شهر و با حمایت مردمان آن، نهضت انقلاب اسلامی را به سال ۱۳۴۲ شمسی به راه انداخته و در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رساند و با بنیان‌گذاری جمهوری اسلامی، اهداف مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم را پی‌ریزی کرد، معلوم می‌شود که این نهضت در ادامه نیز، با حمایت مردم ایران، در مبارزه با یهود به پیروزی قطعی خواهد رسید و این مصادف با ظهور امام زمان (ع) خواهد بود.

۴-۵- هلاکت نهایی قوم یهود

ممکن است بگوییم آن دو نوبت فساد و عذاب که در آیات پیشین سوره اسراء گذشت، هر دو، در گذشته اتفاق افتاده و زمان هر دو سپری گشته است؛ منتها، از سوی خداوند مقدر شده که یهود یک‌بار دیگر، مانند روزگاران گذشته در جهت فساد و تباهی وارد سرزمین مقدس شود تا وقتی که وعده هلاکت نهایی آن‌ها فرا رسد؛ چنان‌که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (اسراء، ۸)؛ امید است که پروردگارتان (در صورتی که توبه کنید) به شما رحم کند و اگر به طغیان و فساد برگردید، ما هم (به کیفر شدید و عذاب سخت) بازگردیم، و دوزخ را برای کافران، زندانی تنگ قرار دادیم.

برخی از مفسران این آیه را به وعده سوم تفسیر کرده‌اند. این آیه، خبر از پایان بنی‌اسرائیل می‌دهد و می‌فرماید که جمع شدن یهودیان در روزگاران آینده در این ارض

بررسی تطبیقی تحلیلی عاقبت یهود از منظر قرآن و کتاب مقدس ۵۳

موعود برای بار سوم، علامت زوال و هلاکت قوم یهود است؛ به طوری که برای همیشه خطر فتنه و تجمع و فساد و تباهی آنان برطرف خواهد شد. در این نوبت سوم، خداوند خودش دست اندر کار هلاکت و تعقیب قوم یهود می‌شود؛ در حالی که در آن دو نوبت، دیگران را برای عذاب قوم یهود فرستاد. بنابراین، این بار، هلاک یهود به دست بندگان صالح خداوند واقع خواهد شد و مؤمنان ریشه یهود را خواهند کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳/۱۲)

بدین ترتیب ممکن است روایات پیشین که از تقابل بین یهود با مسلمانان سخن می‌گفتند، به صورت حقیقی در تفسیر این آیه از سوره اسراء - که در ادامه آیات ۴-۷ می‌باشد - وارد شده باشند؛ منتها در این روایات، به این دلیل که آیه پنجم خصوصیتی را برای هلاک‌کنندگان قوم یهود برشمرده که عین آن، بلکه فراتر از آن، در مورد یاران امام مهدی (ع) نیز صدق می‌کند و در آیه هشتم خبری از تکرار آن خصوصیت نیست، به این خصوصیت مذکور در آیه پنجم در جهت تفسیر آیه هشتم، استناد شده است و این تفسیر موافق ظاهر آیه هشتم است.

هم اکنون گروهی از قوم یهود یعنی «صهیونیست‌ها» اقدام به غصب سرزمین‌های دیگران و آواره ساختن آن‌ها از وطنهایشان و کشتن و نابود کردن فرزندانشان کرده‌اند. آن‌ها در برخورد با مسائل جهانی، عملاً نشان داده‌اند که تابع هیچ قانون و معیاری نیستند. هر گاه فرضاً یک جنگجوی فلسطینی به سوی آنها شلیک کند، آن‌ها در عوض اردوگاه‌های آوارگان و کودکانها و بیمارستان‌های آنان را بمباران می‌کنند و در مقابل کشته شدن یک نفر از آن‌ها، گاهی صدها نفر بی‌گناه را درو می‌کنند و خانه‌های زیادی را منفجر می‌سازند! آنها به هیچیک از مصوبات مجامع بین‌المللی خود را پایبند نمی‌دانند و علناً و آشکارا همه را زیر پا می‌گذارند. این قوم و جمعیت، از نظر اخلاقی و فکری نمونه کاملی از جنایت و نادیده گرفتن همه مسائل انسانی می‌باشند و این خود مصداقی است از فساد

در زمین و برتری جویی و استکبار. بنابراین، باید در انتظار این بود که باری دیگر «عِبَادًا لَنَا أُوْلِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» (اسراء/۵) بر آنها چیره شوند و وعده قطعی خدا را درباره آنها عملی سازند. (همان)

در این جا توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که هلاکت قوم یهود به دست یاران امام زمان(ع) بدان معنا نیست که همه آنها اعم از مومن و فاسق کشته می‌شوند. شواهد روایی از آن حکایت دارند که بعد از بیرون آوردن تورات اصلی از غار انطاکیه توسط حضرت مهدی(ع) و استدلال حضرت بر یهودیان بر اساس تورات اصلی، تعدادی از آنها به وی ایمان می‌آورند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۷؛ مغربی، ۱۴۰۹: ۳/۳۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹/۵۱) همچنین، صندوق مقدس، از دریاچه طبریّه به دست امام مهدی(ع) آشکار می‌شود و یارانش آن را آورده و در پیشگاه او در بیت‌المقدس قرار می‌دهند. چون یهودیان آن را مشاهده نمایند، جمعیت زیادی از آنها اسلام می‌آورند که حدود سی هزار هستند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۸؛ سید بن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۵۰؛ بحرانی، ۱۴۱۱: ۶/۳۰۷؛ همو، ۱۳۷۴: ۳/۷۶۰)

۶. نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مهم در بررسی دین یهود و ملت آن، توجه به پیش‌گویی‌ها درباره عاقبت این قوم است. با مقایسه سرانجام قوم یهود بر اساس پیش‌گویی‌هایی که در کتاب‌های خود یهودیان است و نیز مقایسه این پیش‌گویی‌ها، با پیش‌گویی‌هایی که قرآن درباره سرانجام این قوم گفته، به این نتیجه می‌رسیم که در بسیاری موارد، پیش‌گویی‌های کتاب مقدس و قرآن، صد و هشتاد درجه متفاوت از هم‌اند. سرانجام این قوم، آن گونه که خودشان می‌پندارند، به سوی سعادت‌مندی و خیر و قدرت نهایی آنها نیست، بلکه آن گونه که قرآن پیش‌گویی کرده، ذلت و تیره‌بختی در انتظار آنهاست. یهود تصور می‌کند که در آخر الزمان از نسل آنها کسی می‌آید و به نفع آنها حکومت می‌کند، در حالی که بر اساس قرآن، یهودیان معاند، در اثر درگیری با رهبران الهی و مسلمان مضمحل و نابود می‌شوند.

بررسی تطبیقی تحلیلی عاقبت یهود از منظر قرآن و کتاب مقدس ۵۵

این رهبران پیشگام ظهور مهدی موعود(ع) قیام می‌کنند و به یاری او می‌شتابند. پیش‌گویی‌های موجود در کتاب مقدس هم با توجه به خصوصیات که درباره منجی دارد، بر حضرت مهدی(ع) تطبیق می‌کند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس.
۳. مخیلتنا، شرح سفر خروج.
۴. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغیبة للنعمانی، تهران: نشر صدوق.
۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۰۹ق)، المسند، القاهرة: دارالحديث.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۱۶ق)، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، قم: موسسه صاحب الأمر.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۹. اخوان الصفا، (۱۴۰۵ق)، رسائل اخوان الصفا، تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۰. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۳۷۴ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه بعثه.
۱۱. _____، (۱۴۱۱ق)، حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۹۸۱)، صحیح (کتاب الفتن)، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۳. رشیدرضا، محمد، (بی‌تا)، المنار، بیروت: دارالمعرفة.
۱۴. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۶۰ش)، مجمع البیان فی علوم القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.

۱۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تأویل آیه القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۱۷. طنطاوی، سید محمد، (۱۳۹۲ق)، بنی اسرائیل فی القرآن و السنة، بیروت: دارالمکتب الاندولس.
۱۸. طوسی، محمد بن حسین، (بی تا)، التبیان، به کوشش احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۹. عبدالرزاق، ابوبکر بن همام بن نافع الحمیری الیمانی الصنعانی، (۱۴۰۳ق)، المصنف، بیروت: دارالکتب الاسلامی.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعه العلمیه.
۲۱. قطب، سید، (۱۹۸۲م)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالمشرق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۳. کهن، آبراهام، (۱۳۵۰)، گنجینه‌ای از تلمود، (ترجمه امیر فریدون گرگانی)، بی جا: بی نا.
۲۴. گواهی، عبدالرحیم، (۱۳۷۹ش)، در آمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۶. مطهری، مرتضی، (بی تا)، قیام و انقلاب مهدی، تهران: صدرا.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.